

# دو منظومه فارسی قدیمی در تحفة الملوك

تقی بینش

(مشهد)

## دو منظومه فارسی قدیمی در تحفة الملوك

لازار ایران‌شناس معروف فرانسوی در یادنامهٔ دو مناش مقاله‌ای تحت عنوان «دو شعر فارسی به روایت پهلوی» دارد که برای دوستداران شعر و ادب فارسی بسیار مفنم و قابل استفاده است.

قبل از طرح مندرجات مقالهٔ مذکور لازم به نظر می‌رسد به این نکته اشاره شود که دربارهٔ شعرفارسی بعد از اسلام یا به اصطلاح «شعر دری» دو نظر مختلف ابراز شده است: بعضی معتقدند شعر دری کاملاً مقتبس از شعر عربی است یعنی بعد از آمدن اسلام به ایران که شعرای ایرانی با ادبیات عرب آشنا شده‌اند به تقلید از عروض عربی در اكمال شعر دری کوشیده و حتی تغییراتی در بحور و اوزان شعر عربی داده‌اند.

عده‌ای دیگر برعکس عقیده دارند که وجود شباهت بین شعر عربی و دری حاکی از تأثیر ادبیات عربی است نه تقلید محض. به عبارت دیگر شعر دری دنبالهٔ شعر پهلوی و فارسی قبل از اسلام است نه موجود مستقلی اما مانند دیگر مظاهر هنری ایران تحت تأثیر فرهنگ اسلامی و عربی قرار گرفته و مراحل تکامل را پیموده است. لازار ظاهراً از طرفداران عقیدهٔ دوم است به همین جهت در مقالهٔ خود پس از نقل دو منظومهٔ فارسی از کتاب تحفة الملوك\* در مقام مقایسهٔ آنها با نمونه‌های باقی‌مانده شعر پهلوی نظیر سرود کرکوی برآمده و چنین نتیجه گرفته است که این اشعار بر بنای روایت‌های پهلوی سروده شده‌اند و در واقع نوعی شعر پهلوی تحول‌یافته هستند. عقیدهٔ لازار در مورد مؤلف و تاریخ تألیف این کتاب درخور تأمل است زیرا او تحفة الملوك را از آثار اخلاقی قرن هفتم هجری و تألیف علی بن ابی‌حفص اصفهانی می‌داند. در صورتی که مرحوم سمید نفیسی در تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی (صفحه ۷۲ جلد ۱) از آثار مجهول‌المؤلف قرن پنجم هجری دانسته و در فهرست آغاز کتاب مزبور به علی بن ابوحفص بن فقیه محمود اصفهانی نسبت داده است.

\* تحفة الملوك ناشناس را سید حسن تقی‌زاده تصحیح و چاپ کرد (تهران، ۱۳۱۷). ولی چون تقی‌زاده در آن روزگار مفضوب بود نامش بر روی کتاب ذکر نشده است. (آینده)

در موره تاریخ تالیف این کتاب قول مرحوم سعید نفیسی صحیح تر به نظر می‌رسد زیرا به‌طوری که لازار نوشته ارزش ادبی تحفة الملوك در گرو اشعار فارسی منقول در آن است و چون آن اشعار به تصریح لازار از گویندگان قرن چهارم ایران و از قبیل: ابوشکور و شبیه بلخی و ابواسحاق جویباری و عنصری و قسمتی از کللیله و دمنه رودکی است اگر تحفة الملوك در قرن هفتم هجری تالیف شده بود ظاهراً می‌بایست از شعرای بعد از قرن چهارم و قرون بعدتر در آن نمونه‌هایی وجود می‌داشت.

دو منظومه‌ای که لازار همراه با ترجمه فرانسوی آنها در مقاله خود نقل کرده در فصل پنجم تحفة الملوك ذکر شده است. این فصل با عنوان «در دنیا و حرص» آخرین فصل این کتاب را تشکیل می‌دهد و به قراری که لازار متذکر شده حاوی اشعاری است در بحر متقارب و بدون اسم گوینده که ظاهراً باید به مثنوی آخرین‌نامه ابوشکور تعلق داشته باشد.

از حیث مضمون این دو منظومه را می‌توان در ردیف اشعار اخلاقی یا مواعظ و امثال و حکم قرار داد زیرا یکی از آن دو مربوط به اسکندر و دیگری درباره کیخسرو است و شاعر با اشاره به زنده‌گی پر ماجری و عبرت‌انگیز این دو شخصیت مشهور که در حاله‌ای از روایت‌های مذهبی و حماسی ایران پیچیده شده بوده‌اند خواسته است بی‌اعتباری و ناپایه‌اری دنیا را به صورت شاعرانه‌ای توصیف کند.

مضامین مندرج در منظومه اسکندر کاملاً با روایت‌های ایرانی تطبیق می‌کند ولی اشاره به خنجر و الیاس در آن قصه اسکندر را به شکلی که در جهان اسلام مشهور بوده است به ذهن متبادر می‌کند و یا واژه‌هایی نظیر عقبی و معاد حکایت از تأثیر فرهنگ اسلامی و زبان عربی در ادبیات فارسی دارد.

منظومه کیخسرو کاملاً رنگ ایرانی دارد و وجود واژه «شاه» به صورت خطایی در آن این احتمال را قوت می‌بخشد که شاید این منظومه را شاعر برای یکی از فرمانروایان قرن سوم و چهارم هجری نظیر امرای سامانی و یا خطاب به او سروده باشد. البته این احتمال هم وجود دارد که آمدن واژه شاه در آن از باب قضایای نومیه یعنی بدون در نظر گرفتن فرد خاص و وجود خارجی تلقی شود زیرا شاعر می‌تواند در عالم تصور و تخیل خود مطالبی را به مخاطبی حتی به صورت پند و اندرز بازگو کند.

قالب و ساخت شعری این دو منظومه نیز درخور توجه است. از یک طرف هر دو در بحر متقارب ساخته شده‌اند و در نتیجه باید ابیات از لحاظ قافیه استقلال داشته باشند. از طرف دیگر تکرار کلماتی نظیر جاودان و چنان و دان در یکی از این دو منظومه و کلمه «گیر» در دیگری به صورت ردیف ضمن به‌وجود آوردن عیب شایگان یا ایطاء نوعی قافیه ایجاد می‌کند که این دو منظومه را به قطعه یا قصیده کوتاه شبیه می‌سازد.

از قراین دیگر برای خامی و یا بدوی بودن این اشعار وجود عوریان بر وزن بومیان به‌جای هرمان بر وزن قربان است که هرچند می‌توان حمل بر ضرورت شعری

کرد ولی نشان می‌دهد که به دوره‌های اولیه شعر دری تعلق دارد و شاید همان‌طور که لازار اظهار نظر کرده این اشعار در نیمه دوم قرن سوم و یا اوائل قرن چهارم هجری سروده شده است.

لازار برای تصحیح انتقادی این دو منظومه از پنج نسخه خطی به شرح زیر استفاده کرده است:

۱- نسخه ۷۸۶۳ بریتیش میوزیوم لندن مورخ ۷۶۱ هجری.  
 ۲- نسخه شماره ۴۸۲۲ اهاصوفیه که ظاهراً در قرن نهم هجری کتابت شده است.

۳- نسخه شماره ۳۲۱۲ فاتح ترکیه مکتوب در ۸۹۹ هجری.

۴- نسخه شماره ۲۵۵ لالا اسماعیل ترکیه با تاریخ ۹۸۰ هجری.

۵- نسخه بدون تاریخ کتابخانه نجوانی تبریز.

نسخه لندن در بین این پنج نسخه به عنوان نسخه اقدم یا اساس مورد استفاده قرار گرفته است ولی در بعضی موارد لازار ضبط نسخ دیگر را بر نسخه لندن ترجیح داده و به اصطلاح از روش التقاطی استفاده کرده است و بالاخره چون نسخه بدلها زیاد نیست احتمال دارد فقط به ذکر موارد اساسی اکتفا و از قید اختلافات جزئی صرف نظر شده باشد.

بهیچ‌یک است برای استفاده کامل از مقاله لازار باید به یادنامه دومناش مراجعه کرد ولی چون یادنامه مزبور به زبانهای بیگانه و در نسخ محدود چاپ شده است و به سهولت در دسترس و قابل استفاده همگان نیست بنابراین نگارنده درصدد برآمد با ذکر رئوس مطالب مقاله لازار، دو منظومه مورد بحث را در معرض استفاده علاقه‌مندان قرار دهد و بدین‌وسیله موجبات استفاده بیشتر از آنها را فراهم آورد.

در ضمن پایه توجه داشت که چون لازار از باب رعایت امانت اشعار مورد بحث را با رسم‌الخط قهیمی و اصلی نسخه‌ها نقل کرده است (از قبیل هم‌شکلی کاف و کاف یا پ و پ و رعایت قاعده دال و ذال) خواندن آنها برای خواننده ناوارد و غیرمتخصص آسان نیست به اضافه وجود کلماتی مانند ننگ‌آردت به جای پنگ‌آردت یا تقدیم بای تاکید یا اضافه یا حنقی (= حنقی) و جواهی‌فنان! (ظ خواهی جنان یا خواهی چنان) حکایت از مسامحه در نسخه‌خوانی و غلط‌گیری مطبوعه می‌کند.

### منظومه اول: اسکندر

به روز و به شب سخت بسته میان	اسکندر همی گشت گرد جهان
مگر تا بمالد به شاهی زمان	ز حرص و هوس هیچ لغزود از آن
	(آیا سبک شعر اقتضا ندارد که ایچ و از آنک باشد؟)
از آب حیاتی خورد تازه نان	به ظلمات در شد که باید نهان
برش خضر و الیاس خورده عیان	بسی رنج برد و نه برخورد از آن

پس آن گه به تحصیل مال جهان  
به آخر گذر کرد از ایدر جهان  
مدار ای پسر گنجها را نهان  
به ذهنت قرین هستی برگمان  
(لازار در مقابل مصراع اول علامت استفهام گذاشته است)

تو خواهی که مانی بسی سالیان  
همین است امثال پیشینیان  
(نسخه بدل بنوشی است ولی چون نیوشیدن به معنی گوش کردن یا به گوش گرفتن است مناسب به نظر نمی‌رسد)

وگر بسد نپذیری از بخردان  
ز مادر بزادی همی عوربان  
(عوربان به جای هر یان همان طور که تذکر داده شد ضرورت شمری است ولی خواهی چنان پیشنهاد یا حدس نگارنده محسوب می‌شود زیرا لازار در متن خواهی فنان! گذاشته است که معنی ندارد. نسخه بدلها هم روشن‌گر معنی مناسبی نیستند فقط ضبط نسخه لالا اسماعیل (خواهی عیان) خوب است.)

وگر خیر کردی بیایی چنان  
وگر لطف و عنفی نمودی نهان  
(تازمان ضبط نسخه لالا اسماعیل است که در بین نسخه بدلها مناسب تر می‌نماید. ضبط نسخ دیگر از قبیل: ممان تازنان و همی سود و زیان به نظر قابل قبول نمی‌رسد و تازنان که لازار در متن گذاشته است صحیح نیست.)

### منظومه دوم: کیخسرو

تو از کار کیخسرو اندازه گیر  
جهان دار سخت و پش مسست گیر  
مشو غره ای شاه و اندرز گیر  
پس از مرگشان ماند هم داروگیر  
(در مصراع دوم در کلمه است تاء در تلفظ ساقط می‌شود)

ز هر بد تو بهراس ای یافه گیر  
به شاهی جهان را تو آباد گیر  
(بهان را ممکن است جمع به و خوبی‌ها معنی کرد ولی بر مبنای تصحیح قیاسی نگارنده به جای آن جهان پیشنهاد می‌کند.)

به میعاد جاوید جهلی پذیر  
ز اظهار مردن تو اندازه گیر  
بر و بوم را زشت یا نغز گیر  
میازار کسی را و یکی پذیر